

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 21, No. 2, Spring 2021, 141-160  
Doi: 10.30465/crts.2021.6370

## A Critical Review of the Book *Al-Udab al-Maqarran Fei Persia and Al-Alam al-Arabi*

Sabereh Siyavashi\*

Maryam Alipour\*\*

### Abstract

Studying academic and academic books often aims at transforming the quality of education in order to reveal the angles that are hidden from the author's point of view. One of the books published in the field of comparative literature developed for undergraduate Arabic language and literature students is the book *Aladb al-Moghrranfi Iran and Al-Alam al-Arabi* (1903-2012) by Heydar Khezri, published by Sindi Publications. This book is important because it introduces new schools of comparative literature and examines them. Hence, this study examines the book in two parts of the form and content and examines the privileges and drawbacks in each section. Among the results are: Although the author has written his first work in this field, the book has a good coherence, so that the reader is well versed in the study of the book with comparative literature, especially in the field of two Persian and Arabic Literature. In addition, the noteworthy mention of the book is that this work has taken a new step in identifying new schools and theories in the field of comparative literature than other works written in this field, while avoiding repeated repetition, innovation has struck.

**Keywords:** Critical Review, Review of the Book, Heydar Khezri, "Al-'Adb Al-Muharrin Fei Persia and Al-Alam Al-Arabi

---

\* Assistant Professor, IHCS (Corresponding Author), saberehsiyavashi@yahoo.com

\*\* MA Student, Arabic Language and Literature, IHCS, gh.alipour.1393@gmail.com

Date received: 19/10/2020, Date of acceptance: 16/03/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیست‌ویکم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۰، ۱۴۳-۱۶۰

## بررسی انتقادی کتاب الأدب المقارن فی ایران و العالم العربی

صابره سیاوشی\*

مریم علی‌پور\*\*

### چکیده

بررسی کتاب‌های درسی و دانشگاهی در جهت بهبود وضعیت آموزشی و با هدف بازنمایی کاستی‌ها و نقاط پنهان این آثار صورت می‌پذیرد. یکی از کتاب‌های انتشاریافته در حوزه ادبیات تطبیقی *الأدب المقارن فی ایران و العالم العربی* (۱۹۰۳-۲۰۱۲) از حیدر خضری است که در انتشارات سمت به چاپ رسیده است. این کتاب، از این نظر که به معرفی و بررسی مکاتب جدید ادبیات تطبیقی پرداخته، دارای اهمیت است. از همین رو، پژوهش حاضر به بررسی این کتاب در دو بخش شکلی و محتوایی می‌پردازد و در هر قسمت امتیازات و کاستی‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد. از جمله نتایج به دست آمده به این قرار است: این اثر به جهت شناساندن مکاتب و نظریه‌های جدید در حوزه ادبیات تطبیقی نسبت به آثار مشابه گامی تازه برداشته و ضمن خودداری از تکرار مکررات دست به نوآوری زده است؛ اگرچه با توجه به ماهیت آموزشی کتاب می‌توانست در تعریف و شناساندن چهارچوب و روش مکتب‌ها و نظریه‌های جدیدی هم‌چون تصویرشناسی، پسااستعماری، و آلمانی تعمق و درنگ بیش‌تری کند و روش و چگونگی پژوهش هر مکتب و شیوه انجام تطبیق برپایه آن را به خواننده بیاموزد.

**کلیدواژه‌ها:** بررسی انتقادی، نقد کتاب، حیدر خضری، *الأدب المقارن فی ایران و العالم العربی*.

\* استادیار زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)

saberehsivashi@yahoo.com

\*\* کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، gh.alipour.1393@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶



## ۱. مقدمه

ادبیات تطبیقی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های دانش ادبی به‌شمار می‌آید که در آغاز پیدایش و سیر تحول خود به بررسی روابط ادبیات ملی یک کشور با ادبیات دیگر زبان‌ها و سایر معارف بشری مانند فلسفه، تاریخ، علوم دینی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، و... پرداخته است. بررسی جریان‌شناسانه آثار این حوزه نشان از آن دارد که از جمله فواید ادبیات تطبیقی ایجاد توانایی و مهارت در بازشناسی اندیشه و فرهنگ اصیل و بومی از فرهنگ و اندیشه بیگانه است (ندا ۱۹۹۱: ۲۷). آنچه اهمیت این شاخه از نقد مدرن را افزایش می‌دهد ارائه مطالعات عمیق و نوین و همچنین برپایی همایش‌های بین‌المللی و بررسی ریشه‌های ادبیات تطبیقی در دو ادب پارسی و عربی است.

### ۱.۱ اهمیت و ضرورت پژوهش

کتاب به‌عنوان یک عنصر فرهنگی نقش به‌سزایی در رشد اندیشه جامعه دارد. ازسویی، نقد نیز به‌عنوان یک روش تحقیق معتبر و پرطرفدار دو وظیفه خطیر برعهده دارد: «تهذیب ذوق عامه و تربیت فکر نویسنده» (زرین کوب ۱۳۵۶: ۴). ازهمین رو با هدف دستیابی به جدیدترین و کامل‌ترین اطلاعات و همچنین آگاهی نویسنده از نقاط قوت و ضعف اثر و کمک به سامان‌دهی فکری او نقد کتاب امری لازم و بایسته به‌نظر می‌رسد. ضرورت این پژوهش، به‌عنوان یک نقد مکتوب، از آن‌روست که می‌تواند راه‌گشای پژوهش‌گران در حوزه مباحث نظری ادبیات تطبیقی فارسی و عربی باشد. علت انتخاب این اثر برای نقد تازگی و روزآمدی آن است. ازسوی دیگر، اهمیت کتاب‌های انتشارات سمت، در جایگاه نهاد متولی تألیف کتاب‌های آموزشی، دقت و موشکافی در آن‌ها را ضرورت می‌بخشد. ضمن آن‌که این اثر یکی از کتاب‌های کاربردی برای دانشجویان رشته‌های زبان و ادبیات عربی، فارسی، و ادبیات تطبیقی به‌شمار می‌آید.

### ۲.۱ اهداف پژوهش

نگارش کتاب با موضوع ادبیات تطبیقی و در زبان عربی از سال ۱۹۴۸ آغاز شد (کیانی ۱۳۹۵: ۱۵۵). کتاب *الأدب المقارن فی ایران و العالم العربی*، نوشته حیدر خضری<sup>۱</sup>، از جمله کتاب‌های جدیدی است که در حوزه ادبیات تطبیقی به‌نگارش درآمده است. هدف اساسی این پژوهش تحلیل دیدگاه‌های حیدر خضری، در مقام نویسنده، در کتاب یاد شده

بررسی انتقادی کتاب *الأدب المقارن فی ایران و العالم العربی* (صابره سیاوشی و مریم علی پور) ۱۴۵

است؛ به گونه‌ای که نقاط ضعف و قدرت کار مشخص و تا حد امکان تحلیل شود. هدف بنیادی پژوهش نیز تقویت و گسترش مطالعات نظری در حوزه ادبیات تطبیقی است.

### ۳.۱ روش کار

این کتاب در سه باب به رشته تحریر درآمده و در هر باب به‌طور مجزا گزاره‌هایی مورد توجه قرار گرفته که نویسنده به توضیح آن‌ها پرداخته است. این پژوهش با هدف تبیین مؤلفه‌های شکلی و ابعاد محتوایی کتاب و با تکیه بر روش تحلیل محتوای کیفی به نقد و بررسی کتاب می‌پردازد. «تحلیل محتوا یک روش پژوهش منظم برای توصیف عینی و کمی محتوای کتاب‌ها و متون برنامه‌درسی و مقایسه پیام‌ها و ساختار محتوا با اهداف برنامه‌درسی است» (یارمحمدیان ۱۳۸۶: ۱۵۰).

### ۴.۱ سؤالات اصلی

- ویژگی‌های مثبت و کاستی‌های شکلی کتاب *الأدب المقارن فی ایران و العالم العربی* کدام است؟
- نقاط قوت و کاستی‌های محتوایی این اثر کدام است؟

### ۵.۱ پیشینه پژوهش

در زمینه نقد و بررسی کتاب‌های تألیفی در حیطه ادبیات تطبیقی تاکنون پژوهش‌هایی انجام شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: مقاله «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در جهان عرب نقدی بر *الأدب المقارن؛ مشکلات و آفاق*» از خلیل پروینی (۱۳۹۴). نویسنده در این مقاله به نقد محتوایی و شکلی کتاب عبده عبود با عنوان *الأدب المقارن؛ مشکلات و آفاق* پرداخته و نظریه پذیرش را به تفصیل مورد تحلیل قرار داده است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «پژوهش تطبیقی در ادبیات عربی و فارسی؛ بررسی و نقد ادبیات تطبیقی از محمد سعید جمال‌الدین» از نرگس قنديل‌زاده (۱۳۹۴). این مقاله، برخلاف عنوان خود، تحلیل و نقد ترجمه کتاب سعید جمال‌الدین است که سعید حسام‌پور آن را تدوین کرده است. قنديل‌زاده معتقد است این ترجمه، برخلاف اثر اصلی، بسیار ضعیف است و کاستی‌های فراوانی دارد. هم‌چنین، مقاله «نقد و بررسی *المدارس الأدبیه و مذاهبها* نوشته»

یوسف عید» از صلاح‌الدین عبدی (۱۳۹۳). نویسنده در مقاله یادشده به نقد کتاب یوسف عید پرداخته که در دو جلد تألیف شده است. البته قالب اثر به نقد محتوایی پرداخته و در بخش نقد شکلی کاستی‌های بسیاری دارد. تورج زینی‌وند (۱۳۹۳)، در مقاله «معرفی و نقد کتاب *الأدب المقارن: دراسات نظریه و تطبیقیه*» که در *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی* (بخش پاره‌ها و نکته‌ها) به چاپ رسیده است، به بیان برخی کاستی‌ها و نواقص کتاب در سه صفحه پرداخته است. هم‌چنین، می‌توان به مقاله محمود حیدری (۱۳۹۵) با عنوان «بررسی انتقادی کتاب *الأدب المقارن (دراسات نظریه و تطبیقیه)* اثر خلیل پروینی»، اشاره کرد که در آن با بیانی صادق به کاستی‌ها و نقاط قوت اثر پروینی پرداخته شده است. هم‌چنین، مقاله فرهاد رجبی (۱۳۹۵) با عنوان «نقدی بر کتاب *الأدب المقارن (دراسات نظریه و تطبیقیه)* تألیف خلیل پروینی» نیز نقد بر کتاب خلیل پروینی است، با این تفاوت که در بیش‌تر موارد از کاستی‌های کتاب چشم پوشیده و به تمجید از اثر پرداخته است.

در نتیجه جست‌وجو‌هایی که نگارنده انجام داد، مشخص شد که با توجه به این که کتاب حیدر خضری از کتاب‌های تازه‌تألیف در موضوع ادبیات تطبیقی به‌شمار می‌رود، نقدی بر آن یافت نشد و این مقاله می‌تواند گامی تازه در این جهت باشد.

## ۲. نقد و تحلیل کتاب

از آن‌جاکه نقد کتاب «باید از دو جنبه کلی صورت و محتوا صورت گیرد» (خرم‌شاهی ۱۳۶۳: ۱۴) در این پژوهش تلاش می‌شود که از دو جنبه ساختاری و محتوایی به نقد کتاب یادشده پرداخته شود تا نقدی کامل و علمی از آن صورت پذیرد؛ چراکه نقد فنی را ترکیبی از دو نقد صوری و محتوایی می‌دانند (قاسمی و دیگران ۱۳۹۴: ۴۷).

### ۱.۲ جنبه ساختاری

#### ۱.۱.۲ عناوین اصلی کتاب

نویسنده کتاب مباحث خود را در هفت عنوان و ۴۸۳ صفحه آورده است:

- مقدمه در پنج صفحه؛
- باب اول (ص ۹-۱۴۰) با عنوان «نشأة الدراسات المقارنّة و اعلامها بین الأدبیین العربی و الفارسی» که به دو فصل فرعی تقسیم شده است:

بررسی انتقادی کتاب *الأدب المقارن فی ایران و العالم العربی* (صابره سیاوشی و مریم علی پور) ۱۴۷

- الف. بررسی مطالعات تطبیقی بین ادبیات عربی و فارسی و عوامل داخلی و خارجی مؤثر در آنها و همچنین مطالعه میراث مشترک دینی بین اعراب و ایرانیان، دوره رنسانس، صنعت چاپ، نهضت ترجمه، عقاید مشترک، و انتشار روزنامه‌ها و مجلات؛
- ب. شناخت رهبران و بزرگان در ادبیات تطبیقی عربی و فارسی و اعلام و مشاهیر آنها.
- باب دوم نیز (ص ۱۴۰-۲۹۸) با عنوان «الدراسات النظرية و التطبيقية المقارنة بين الأدبين العربی و الفارسی»، به دو فصل تقسیم می‌شود:
  - الف. بررسی مطالعات نظری ادبیات تطبیقی؛ در این فصل مهم‌ترین کتاب‌های تطبیقی در حوزه ادبیات عربی و فارسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌طور مثال، کتاب *الأدب المقارن* از محمد غنیمی هلال یا کتاب *فی الأدب المقارن؛ دراسات فی نظریة الأدب و الشعر القصصی* از محمد عبدالسلام کفافی.
  - ب. بررسی مطالعات تطبیقی و کاربردی نویسندگان عربی و فارسی؛ نویسنده در این فصل به بررسی آثار برخی ادیبان عرب و پارسی پرداخته و آنان را از جنبه نقد تطبیقی مورد بررسی قرار داده است؛ مانند لیلی و مجنون.
- باب سوم (ص ۲۹۸-۳۹۳) با عنوان «تجلیات مدارس الأدب المقارن فی الدراسات المقارنّة بین الادبین العربی و الفارسی»، به ظهور مکاتب ادبیات تطبیقی در میان نویسندگان عربی و ایرانی می‌پردازد و نویسنده هریک از این مکاتب را برمی‌شمرد. این باب نیز متشکل از شش فصل است:
  - الف. فصل اول از باب سوم به بحث در مورد مکتب فرانسه می‌پردازد؛
  - ب. فصل دوم: مکتب آمریکایی؛
  - ج. فصل سوم: تجربه سلافیه (مکتب روسییا اروپای شرقی)؛<sup>۲</sup>
  - د. فصل چهارم: نظریه آلمانی؛<sup>۳</sup>
  - ه. فصل پنجم: مکتب سورولوژی (تصویرشناسی)؛
  - و. فصل ششم: نظریه پسااستعماری؛
  - ز. «خاتمة البحث»، که نویسنده نتایج فصل‌های شش‌گانه را در این باب به‌طور مختصر و فشرده آورده است.

- صفحات ۳۹۴-۴۲۸ به فهرست منابع (کتاب‌های عربی، فارسی، کردی، ترکی، انگلیسی، و پایان‌نامه‌های دانشگاه‌های عربی و فارسی و هم‌چنین مجلات و نشریه‌های عربی، فارسی، و انگلیسی) اختصاص داده شده است.
- صفحات ۴۲۸-۴۶۲، با عنوان ملحق، کتاب‌شناسی مطالعات تطبیقی بین ادبیات عربی و فارسی است که شامل کتاب‌های ترجمه‌شده از عربی به فارسی و برعکس و کتاب‌های ترجمه‌شده از زبان‌های دیگر به عربی و فارسی و هم‌چنین کتاب‌های تطبیقی منتشرشده در کشورهای عربی و ایران می‌شود.
- صفحات ۴۶۳-۴۸۳ هم به فهرست اعلام (اشخاص و موضوعی) اختصاص یافته است.

موارد یادشده در دیاگرام زیر قابل‌رسم بیانی است:





درباره منطق و روش تدوین این کتاب - همان‌گونه که از نمودار و توضیحات پیشین آن برمی‌آید - می‌توان گفت رابطه فصل‌های کتاب طبیعی و منطقی است؛ یعنی سیر تکوینی و پرورش محتوا در عین رعایت سازواری و اصل وحدت موضوع به‌جا صورت گرفته است.

## ۲.۱.۲ جامعیت ساختاری اثر

### ۱.۲.۱.۲ صفحه‌آرایی، صحافی، و قواعد ویرایش و نگارش

صفحه‌آرایی و صحافی اثر مناسب و مطلوب است. پشت جلد، عنوان انگلیسی کتاب و نویسنده، و چکیده‌ای به زبان عربی به چشم می‌خورد. کتاب از نظر حروف‌نگاری واضح و فونت انتخاب‌شده مناسب و خواناست. قواعد املای عربی در کلام رعایت شده است، با توجه به این که نویسنده عرب‌زبان نبوده و ایرانی است، بافت متن نشانی از فارسی‌زدگی ندارد و این امر دلیل بر تسلط نویسنده بر زبان عربی است. این کتاب از نظر قواعد عمومی ویرایش و نگارش هم تقریباً خالی از اشتباهات نگارشی و چاپی است.

### ۲.۲.۱.۲ مقدمه کتاب

مؤلف در مقدمه‌ای پنج‌صفحه‌ای به بیان اهمیت موضوع پرداخته است، «در مقدمه غالباً تز یا طرح اولیه یک اثر به اختصار مطرح می‌گردد و مؤلف هدف خود را از نگارش آن اثر و مباحث اساسی آن را با خواننده در میان می‌گذارد» (خرم‌شاهی ۱۳۸۶: ۲۶). نویسنده به خوبی ضرورت انجام کار را تبیین می‌کند و اهداف خود را از گردآوری این کتاب به شیوایی بیان می‌دارد. او با تسلط تمام به توضیح چشم‌اندازی که برای کار خود در نظر گرفته است می‌پردازد. خضری به روش پژوهش به‌طور صریح اشاره می‌کند و شیوه کار را نیز به شکل مختصری توضیح می‌دهد. طبق اصول روش تحقیق، «در مقدمه باید برای خواننده پرسشی ایجاد شود و او را مشتاق یافتن پاسخ و خواندن مقاله کند» (فتوحی ۱۳۸۵: ۱۳۱). بر همین اساس، نویسنده این کتاب نیز سوالات اصلی و فرعی را که در اثر خود در صدد پاسخ‌گویی به آن‌هاست مطرح می‌کند و تصویری کلی از کتاب و شکل ساختاری آن ارائه می‌دهد. در متن اصلی کتاب نیز، شرح مختصری از فصول و بخش‌ها، خاتمه، و ملحقات را بیان می‌کند؛ اما نکته قابل توجه این است که به پیشینه اثر اشاره‌ای نشده است. به‌طور کلی، با توجه به آن‌چه در مقدمه مؤلف به آن اشاره کرده است، اهداف تألیف کتاب را می‌توان در محورهای ذیل خلاصه کرد:

بررسی انتقادی کتاب *الأدب المقارن فی ایران و العالم العربی* (صابره سیاوشی و مریم علی پور) ۱۵۱

الف. بیان مهم‌ترین عوامل مؤثر در پیدایش مطالعات تطبیقی بین دو ادب عربی و فارسی؛

ب. تشریح مهم‌ترین مراحل سپری‌شده در دو زبان ادب عربی و فارسی در کشورهای عربی و ایران؛

ج. شناسایی پیش‌گامان علمی در بحث مطالعات تطبیقی میان ادب عربی و فارسی؛  
د. بیان مهم‌ترین اعلام در زمینه نگارش کتاب‌های ادبیات تطبیقی و آثار تطبیقی عربی و فارسی؛

ه. تبیین مکاتب نظری و تطبیقی دو ادب عربی و فارسی و وجه تمایز آن‌ها (خضری ۱۳۹۲: ۲).

#### ۳.۲.۱.۲ فهرست مطالب، جداول، و نمودارهای توضیحی

فهرست مطالب در ابتدای کتاب آمده است. این فهرست تفصیلی است و براساس باب و فصل تنظیم شده است. مؤلف مباحث اصلی خود را در سه عنوان و در ۳۹۳ صفحه گرد آورده است. این کتاب عاری از هرگونه جدول، نمودار، و تصویر است. البته نویسنده می‌توانست مطالب تاریخی و مهم فصل‌ها را برای تبیین بهتر و جلب توجه بیشتر خوانندگان در قالب جدول بیاورد و بر ارزش کار خود بیفزاید.

#### ۴.۲.۱.۲ فهرست مراجع و اعلام

نویسنده در انتهای کتاب فهرست منابع و مآخذ را آورده است. هم‌چنین، نمایه اعلام و اشخاص و موضوع به‌طور مفصل، دقیق، و گویا با فونتی کوچک‌تر در پایان کتاب آمده است. خضری در فهرست مطالب برای معرفی نمایه اعلام، اشخاص، و نمایه موضوعی از همان کلمات فارسی استفاده کرده است، در صورتی‌که به نظر می‌رسد، با توجه به این‌که متن کتاب به زبان عربی تألیف شده است، بهتر بود از عناوین، واژگان، و اصطلاحات عربی استفاده می‌شد. یکی از نقاط مثبت کتاب داشتن قسمتی با عنوان «کتاب‌شناسی ادبیات تطبیقی» است که آن را به کتاب ملحق کرده و در ۳۳ صفحه به‌صورت مجزا در دو بخش آورده است. بخش اول کتاب‌های ترجمه‌شده در ادبیات تطبیقی از عربی به فارسی و برعکس و هم‌چنین از زبان‌های دیگر به عربی و فارسی، و بخش دوم کتاب‌های ادبیات تطبیقی تألیف‌شده در کشورهای عربی و ایران است که این بخش اگرچه طولانی، با متن کتاب مرتبط و وجود آن ضروری است.

## ۵.۲.۱.۲ خلاصه، جمع‌بندی، و نتیجه‌گیری

چون این اثر با هدف و مؤلفه‌های یک کتاب درسی تألیف نشده است. بنابراین، چیزی با عنوان اهداف درس، خلاصه فصل، جمع‌بندی، نتیجه‌گیری، و تمرین در آن دیده نمی‌شود. نکته قابل توجه این‌که مؤلف در پایان کتاب سرفصلی با عنوان «خاتمه البحث» در هشت صفحه آورده و در آن نتایج به دست آمده از مطالب کتاب را در ذیل چهل مورد به‌طور بسیار موجز بیان کرده است که در واقع تحلیل نویسنده از کل مطالب موجود در کتاب به‌شمار می‌آید.

## ۲.۲ بررسی محتوایی اثر

### ۱.۲.۲ ساختار علمی

نویسنده در فصل اول به دنبال یافتن ریشه‌های مطالعات تطبیقی فارسی و عربی و تحول آن‌هاست. وی که به نظر می‌رسد در این فصل خود را از جدال تعریف‌های گوناگون و متعدد در باب اصطلاح ادبیات تطبیقی رهانیده است، ابتدا در مقدمه‌ای شش صفحه‌ای عنوان می‌دارد که با وجود این‌که ادبیات تطبیقی در اروپا از قرن نوزدهم و در ادبیات عربی و فارسی از قرن بیستم آغاز شده است، ریشه‌های آن در ادبیات عربی و فارسی به گذشته‌های دور بازمی‌گردد و در میراث ادبی این دو ملت یافت می‌شود. از نظر نگارنده، عناصر متعددی علت پیدایش و تألیف آثار تطبیقی در ادبیات این ملت‌هاست که از آن جمله می‌توان به اختلاط اعراب و قوم پارس از زمان فتح ایران به دست مسلمین و وجود تضاد فرهنگی میان آن دو اشاره کرد که باعث ظهور نزاعات سیاسی و دینی مثل شعوبیه و تصوف شده است. همین امر باعث پیدایش برخی ادیبان عرب فارسی‌نویس و برعکس شد که هر یک با اهداف شخصی، سیاسی، دینی، و ادبی به مطالعه ادبیات و فرهنگ دیگری پرداخته و ضمن شناخت آن‌ها گاهی چیز جدیدی به معلومات گذشته افزوده‌اند. مؤلف در ادامه و پس از بررسی تاریخی این دانش در میان دو قوم ایرانی و عرب، ضمن ارائه پاره‌ای توضیحات، به این نتیجه می‌رسد که نقد ادیبان عرب و پارسی بر ادبیات دیگری در گذشته سطحی و بنابر اعتماد بر ذوق و سلیقه شخصی بوده و دانش فکری و علمی ایشان توانایی وضع اصول و قواعدی که لازمه آغاز یک مکتب باشد نداشته است.

نویسنده در پایان مقدمه این بخش اموری را برمی‌شمارد که منشأ ظهور مطالعات تطبیقی بین ادبیات عربی و فارسی است و پس از این مقدمه به‌طور تفصیلی به شرح

آن‌ها می‌پردازد. موارد یادشده عبارت‌اند از میراث مشترک عرب و پارسی، عصر نهضت، صنعت چاپ، نهضت ترجمه و مترجمان، شرق‌شناسی، و روزنامه‌ها و مجلات. مؤلف پس از تبیین و تفصیل این امور به سراغ بحث اصلی که با عنوان «نشأة الدراسات المقارنّة بین الادبیین العربی و الفارسی» مطرح شده می‌رود. او در ابتدا چشم‌اندازهای اولیه در ادبیات تطبیقی عربی و پارسی را بیان می‌کند و شروع آن را از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می‌داند. وی به‌طور مستند از سه مقاله در کشورهای عربی نام می‌برد که هر سه به مقایسهٔ رباعیات خیام و *أبی العلاء المَعْرَى* پرداخته‌اند. در ادبیات ایران نیز حدود بیست مقاله را برمی‌شمرد که در واقع همگی به‌نوعی از جملهٔ مطالعات تطبیقی در ادبیات عرب و پارسی به‌شمار می‌روند. نویسنده در پایان این فصل مراحل تأسیس و تکامل ادبیات تطبیقی را به سه مرحلهٔ تأسیس (۱۹۴۶-۱۹۵۹)، ترویج (۱۹۶۰-۱۹۷۰)، و تکامل (۱۹۷۱-) تقسیم می‌کند و در ضمن آن‌ها به بررسی تاریخ ادبیات تطبیقی عربی-فارسی می‌پردازد.

نویسنده در فصل دوم از باب اول کتاب به معرفی کشورهای پیش‌رو در ادبیات تطبیقی پرداخته است. در ابتدا، از مصر به‌عنوان کشور پیش‌تاز در این عرصه نام می‌برد و سپس به معرفی مشاهیر آن از جمله محمد غنیمی هلال، محمد عبدالسلام الکفافی، طه ندا، بدیع محمد جمعه، و محمد السعید جمال‌الدین می‌پردازد. از لبنان و یکتور الکک را مورد توجه قرار می‌دهد. سپس به سراغ سوریه و اردن می‌رود و از محمد التونجی و یوسف بکار یاد می‌کند و با سخن از ایران و محمد محمدی کلامش را در این فصل پایان می‌دهد.

خضری در فصل سوم ابتدا کتاب‌های تألیف‌شده با موضوع ادبیات تطبیقی در کشورهای عربی و ایران را معرفی می‌کند و به‌نحوهٔ نگارش اثر خود و محتوای آن اشاره می‌دارد و تحلیل خود بر آن آثار را نیز بیان می‌دارد. در ادامه نیز، به شناسایی آثار تألیف‌شدهٔ تطبیقی بین دو ادب با موضوع داستان‌های قرآنی، معراج، مقامات، ایستادن بر خرابه‌های دیار یار، فابل‌ها، و تأثیر ادب عربی در شعر عمر خیام و سعدی می‌پردازد و به‌طور مفصل به تحلیل و بررسی آنان مشغول می‌شود. اگرچه این فصل نکتهٔ چندانی جدیدی ندارد، به‌نظر می‌رسد مؤلف با معرفی و تحلیل آثار تطبیقی دو زبان پارسی و عربی به‌دنبال پررنگ کردن پیوند این دو ادب و نیز پشتیبانی از پیوستگی تاریخی آن‌هاست. در همین جهت، شاید بهتر بود که در بخش تأثیر ادب عربی در شعر خیام و سعدی شعر شاعران بزرگ دیگری هم چون حافظ، جامی، ابن‌یمین، عبید زاکانی، و... نیز در دو بخش لفظی و معنایی-هرچند موجز و مختصر-مورد بررسی قرار می‌گرفت.

وی در فصل پایانی نیز ابتدا مکتب‌های مشهور از جمله فرانسه، آمریکا، و سلافیه را معرفی می‌کند، او رهبران و پیش‌گامان این مکاتب و برخی کتاب‌های منتشر شده در این زمینه و مقاله‌های تألیف شده را نام می‌برد. سپس، به سراغ مکتب‌ها و نظریه‌های جدید مانند آلمانی، تصویرشناسی، و پسااستعماری می‌رود و آن‌ها را به خواننده می‌شناساند که اتفاقاً مهم‌ترین کار نویسنده و هنر اصلی او در نگارش همین فصل کتاب به‌منصه ظهور می‌رسد. البته حجم توضیحات و مطالب مؤلف نشان از آن دارد که وی معرفی دو مکتب فرانسوی و آمریکایی را بیش از دیگر مکاتب و نظریه‌ها و جهت همت خود قرار داده است. به نظر می‌رسد اشکال دیگر کار آن باشد که مؤلف اگرچه گامی از دیگر آثار مشابه فراتر نهاده و مکاتب و نظریه‌های جدید ادبیات تطبیقی را معرفی کرده، بیش‌تر به بررسی نظریه صاحبان این مکاتب و نظریه‌ها هم‌چون سورولوژی (تصویرشناسی)، اروپای شرقی، پسااستعماری، و آلمانی پرداخته و روش و چگونگی پژوهش هر مکتب و مؤلفه‌های آن را به‌روشنی و وضوح به خواننده معرفی نکرده است؛ به‌گونه‌ای که پژوهش‌گران ادبیات تطبیقی هنوز هم در انجام پژوهش‌هایی با محوریت این مکاتب و نظریه‌ها سردرگم و حیران‌اند. البته در میان این مکاتب و نظریه‌های جدید ادبیات تطبیقی، جای نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی<sup>۴</sup> و ادبیات تطبیقی عربی خالی به نظر می‌رسد که احتمالاً نویسنده محترم برای این خلاء دلیلی محکم و متقن دارد یا آن‌که در نظر دارد نظریه‌های یادشده را در چاپ‌های پسین بر این بخش از کتاب خود بیفزاید. او در پایان نیز مجموعه نتایج به‌دست‌آمده از این کتاب را در هشت صفحه بیان می‌دارد؛ اگرچه با توجه به ماهیت آموزشی کتاب بهتر بود مطالب در پایان هر فصل به‌طور مجزا خلاصه‌نویسی و جمع‌بندی می‌شد. به‌طور کلی و از نظر عقلی و استدلالی، می‌توان گفت سازواری و انسجام منطقی قابل‌قبولی در محتوای اثر جاری است و میان مقدمات و نتایج رابطه‌ای صحیح برقرار است.

خضری در بخش منابع تمامی تألیفات عربی، فارسی، کردی، ترکی، و انگلیسی، پایان‌نامه‌های عربی و فارسی، مجلات عربی، فارسی، و انگلیسی را برمی‌شمارد که در تألیف این کتاب از آن‌ها مدد گرفته است. او در بخش کتاب‌شناسی نیز که جزء ملحقات این کتاب است به معرفی کتاب‌های ترجمه‌شده در ادبیات تطبیقی از عربی به فارسی و برعکس و از زبان‌های دیگر به دو زبان عربی و فارسی و نیز تألیفات ادبیات تطبیقی بین دو ادب عربی و فارسی می‌پردازد. نکته کلیدی و درخور این بخش نمایش جامعیت و روزآمدی منابع کتاب است که می‌تواند زمینه‌ساز جامعیت و باروری مطالعات تطبیقی پس از خود شود.

### ۲.۲.۲ نظم منطقی و انسجام مطالب

نویسنده در ابتدا عوامل مؤثر در ظهور مطالعات تطبیقی بین دو ادبیات عربی و پارسی را می‌شناساند و سپس به بیان چشم‌اندازهای اولیه می‌پردازد و در مرحله بعد نخستین مطالعات تطبیقی در این دو ادب را مطرح می‌کند و مراحل پیشرفت ادبیات تطبیقی را بیان می‌دارد. او در ادامه بحث بر آن بوده است تا اعلام و مشاهیر مطرح در هر دو ادبیات را در کشورهای مختلف نام برد و به‌طور مفصل معرفی کند. در قسمت بعد، کتاب‌های نظری را که در زمینه ادبیات تطبیقی نگاشته شده است می‌شناساند و سپس به معرفی کتاب‌های تطبیقی در ادبیات عربی و پارسی می‌پردازد. در قسمت پایانی نیز مکاتب ادبیات تطبیقی را مطرح می‌کند و نحوه پیدایش، مشاهیر، و کتاب‌های دست‌اول مربوط به هریک را بیان می‌دارد. کتاب از نظم و انسجام منطقی و پیوسته برخوردار است و مؤلف، ضمن دقت به نحوه چینش کتاب و حفظ ارتباط آن با موضوع اصلی، به هر نکته‌ای در جای خود پرداخته است. با وجود آن‌که نویسنده از مستندات زیادی بهره جسته، این امر سبب پراکندگی موضوع نشده است و یک‌سان بودن نثر و همگنی قلم او در تمام متن مشاهده می‌شود. البته آوردن هر بخش از متن در قالب چند فصل سبب انسجام بیش‌تر شده، به‌گونه‌ای که در هر بخش شاخص‌های آن موضوع در عنوان‌های روشن و مشخص قرار داده شده و این خود بر ایجاد نظم کمک شایانی کرده است.

### ۳.۲.۲ کاربرد واژگان و اصطلاحات خارجی

در این اثر، مانند بسیاری کتب تخصصی دیگر، بنابه ضرورت، از اصطلاحات تخصصی دانش ادبیات تطبیقی استفاده شده است. نویسنده در اصطلاحات و نیز اسم‌های غلم غیرعربی از معادل عربی استفاده کرده و متن از این جهت از یک‌نواختی و نظم برخوردار است.

### ۴.۲.۲ نوآوری

حیدر خضری اولین نویسنده‌ای است که در ایران و به زبان عربی به معرفی مکتب‌های جدید، نظریه‌های نوپای ادبیات تطبیقی، و تبیین چهارچوب و مبانی نظری آن‌ها می‌پردازد. وی، علاوه بر معرفی این مکاتب و نظریه‌ها، به معرفی اعلام و هم‌چنین کتاب‌ها و مقالات تألیف‌شده مرتبط با آن مکاتب نیز می‌پردازد. البته به نظر می‌رسد که تبیین این مکاتب به‌صورت موجز و مختصر صورت پذیرفته است و وی می‌توانست با شرح و تفصیل بیش‌تر پردازش جامع‌تری را ارائه دهد.

## ۵.۲.۲ تناسب عنوان متن با محتوا

متن کتاب مطابقت کامل با عنوان آن دارد. از آن‌جاکه «نویسنده باید بکوشد متناسب با عنوان اثر خود بحث کند» (اسلامی ۱۳۹۱: ۱۳۰) و عنوان کتاب خضری نیز *الأدب المقارن فی ایران و العالم العربی* است، نویسنده در تمامی متن کتاب کوشیده است هر دو ادب را لحاظ کند؛ خضری هر جا که ادیب، کتاب، یا مقاله‌ای از ادبیات عربی معرفی می‌کند، بلافاصله از ادب پارسی نیز مثالی در همان مورد می‌آورد. این ویژگی در کنار برخورداری از عناوین دقیق، محدود، و متناسب اصلی و فرعی در کل اثر قابل‌مشاهده است و شاهدهی بر روش‌مندی علمی کار و تسلط نویسنده است.

## ۶.۲.۲ روزآمدی اطلاعات و ارجاع به منابع معتبر علمی

«انتظار می‌رود که هر اثر تحقیقی با استناد و براساس منابع معتبر رشته‌مربوطه خویش نوشته شود» (اسلامی ۱۳۹۱: ۱۳۳). به همین علت، خضری تلاش کرده است تا از معتبرترین منابع علمی در حوزه ادبیات تطبیقی بهره بگیرد و از کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها، و حتی مجلات نیز به‌طور گسترده و بایسته استفاده کرده است. با توجه به تسلط وی به زبان عربی و فارسی، به‌خوبی توانسته است به سنجش مطالعات تطبیقی در دو ادبیات پردازد.

## ۷.۲.۲ رعایت امانت علمی

برخورداری از ارجاعات دقیق و زودیاب در پانوشت‌ها از نقاط قوت این اثر است. «به‌کارگیری شایسته پاورقی به نویسنده کمک می‌کند متنی روشن و مستند ارائه دهد» (قاسمی و دیگران ۱۳۹۴: ۱۲۸). ضمن آن‌که تبیین چهارچوب نظری هر مکتب و آثار برگزیده و مشهور آن از سوی خضری با زبانی شفاف و بدون نشان‌دادن دیدگاه‌ها و سلاقی شخصی او نشان از امانت‌داری علمی این نویسنده دارد. وی هم‌چنین کوشیده است که به‌دور از هرگونه جانب‌داری به تجزیه، تحلیل، و بررسی مکاتب ادبی و معرفی آن‌ها به خواننده پردازد.

## ۸.۲.۲ میزان مطابقت محتوای علمی کتاب با مبانی و اصول اسلامی

محتوای هر کتاب، به‌ویژه کتاب‌های درسی، نشان‌دهنده میزان توفیق نویسنده در تأمین اهداف موردنظر نهادهای سیاست‌گذار جامعه علمی وابسته به آن است (همان: ۱۳۱).



محتوای اصلی این کتاب بررسی ادبیات تطبیقی در ایران و کشورهای عربی است. از آنجاکه میراث مشترک دینی در کشورهای اسلامی تأثیر مستقیم بر ادبیات آن‌ها را به دنبال داشته است، لذا موضوع کتاب تناقضی با مبانی و اصول دینی و اسلامی ندارد. البته با توجه به این که نویسنده در بخش مکاتب نظریه‌های جدید مطرح شده را عنوان کرده است بهتر می‌نمود که نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی را نیز عنوان می‌داشت.

### ۹.۲.۲ کیفیت انطباق کتاب با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم

این کتاب در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود و نسبت به کتاب‌های مشابه از جامعیت و نوآوری بیش‌تری برخوردار است؛ توجه به این موضوع ضرورت دارد که «جامعیت به معنای پوشش مناسب اهداف کلی و به‌ویژه سرفصل‌های مصوب دروس است» (قاسمی و دیگران ۱۳۹۴: ۱۲۸). اثر مورد بحث نیز، ضمن هماهنگی با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، از آن جهت که تقریباً تمامی مکاتب مطرح شده تا زمان تألیف در آن گردآوری و معرفی شده است، می‌تواند منبع مناسبی برای پژوهش‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی باشد. اگرچه بهتر می‌نمود درباره مکاتب جدید توضیحات و اطلاعات بیش‌تری در اختیار دانشجویان قرار داده می‌شد و به این حد از اختصار و ایجاز بسنده نمی‌شد.

### ۳. نتیجه‌گیری

کتاب *الأدب المقارن فی ایران و العالم العربی* اثری مدون بر مبنای موضوعی مشخص است که همانند هر اثر علمی دیگر کاستی و فزونی‌هایی دارد که عنایت به آن‌ها می‌تواند در کیفیت بهره‌مندی از آن سودمند باشد:

- این اثر اولین کتاب حیدر خضری است که در این حوزه به رشته تحریر درآمده است. با وجود این، نویسنده اثر مورد بحث را به گونه‌ای تألیف کرده است که خواننده در ابتدا با چگونگی ظهور ادبیات تطبیقی در دو ادب عربی و پارسی آشنا می‌شود، مشاهیر را می‌شناسد، سپس با کتاب‌های تألیف شده با موضوع ادبیات تطبیقی و هم‌چنین آثار تألیف شده تطبیقی در دو ادب آشنا می‌شود و در پایان نیز مکاتب و نظریه‌های مطرح در حیطه ادبیات تطبیقی اعم از قدیم و جدید را به خوبی فرا می‌گیرد. بنابراین، چنانچه کسی در زمینه ادبیات تطبیقی اطلاعی نداشته باشد، این کتاب به شرط آشنایی او با زبان عربی برای ایجاد شناخت از این دانش کفایت می‌کند.

- این کتاب می‌تواند در شمار کتاب‌های آموزشی قرار گیرد و هم‌چنین این ظرفیت را دارد که منبع مناسبی برای پژوهش‌گران و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری باشد.
- خواننده با دیدن عنوان کتاب درمی‌یابد که این کتاب شامل مباحث ادبیات تطبیقی در ایران و کشورهای عربی است، ضمن آن‌که از حیث محتوا نیز نویسنده فصول آن را کاملاً هم‌سو با عنوان کتاب تنظیم کرده است.
- کتاب حاضر در مقایسه با تألیف‌های مشابه پیشین خود کامل‌تر است و از جهت بیان مکاتب جدید نوآوری دارد. در ایران، خضری اولین نویسنده‌ای است که مکاتب جدید ادبیات تطبیقی را جمع‌آوری و به‌گونه‌ای ملموس و قابل‌فهم به زبان عربی مطرح کرده است.
- روش نویسنده در این کتاب تحلیلی-نقدی است و در پژوهش خود پیرو مکتب خاصی نیست، البته در برخی موارد به شناساندن اعلام و مشاهیر همت گماشته و از آنان به‌دفعات نام برده است، به‌گونه‌ای که فراوانی نام‌هایی که در کنار یک‌دیگر قرار گرفته‌اند، گاه از حوصله خواننده خارج است.
- مؤلف می‌توانست در تعریف و شناساندن چهارچوب و روش مکتب‌ها و نظریه‌های جدید هم‌چون تصویرشناسی، آلمانی، و پسااستعماری تعمق و درنگ بیش‌تری کند و، باتوجه‌به ماهیت آموزشی کتاب، روش و چگونگی پژوهش هر مکتب و شیوه انجام پژوهش تطبیقی برپایه آن را به خواننده بیاموزد.
- نتایج حاصل در پایان کتاب در هشت صفحه و به‌طور موجز بیان شده است، درحالی‌که باتوجه‌به سرشت آموزشی کتاب بهتر بود مطالب در پایان هر فصل به‌طور مجزا خلاصه‌نویسی و جمع‌بندی می‌شد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. از حیدر خضری مقالات متعددی در حوزه ادبیات تطبیقی به‌چاپ رسیده است که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ترجمه و تحقیق مقاله «جغرافیای ادبیات تطبیقی» (ادبیات پارسی معاصر، تابستان ۱۳۹۴، ش ۲)، «ایستاده بر مرز: ادبیات تطبیقی در ترکیه» (ویژه‌نامه فرهنگستان، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ش ۹)، «من المعره الی شیراز: اثر ابی العلاء المعری فی الشاعر الفارسی المعاصر فریدون توللی» (کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، زمستان ۱۳۹۳، ش ۱۶)، «کتاب‌شناسی

بررسی انتقادی کتاب *الأدب المقارن فی ایران و العالم العربی* (صابره سیاوشی و مریم علی پور) ۱۵۹

کتاب‌های نظری ادبیات تطبیقی در کشورهای عربی و ایران از آغاز تا سال ۱۳۹۱ ش / ۲۰۱۲ م «*ویژه‌نامه فرهنگستان، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ش ۲*»، «پژوهش‌های تطبیقی بین فارسی و عربی گذشته، حال، و چشم‌انداز آینده» (*کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، تابستان ۱۳۹۰، ش ۲*).

۲. نخستین شخصی که این مکتب را در زبان عربی «المدرسة السلافیة» نام‌گذاری کرد سعید علوش است. این تسمیه براساس نام کشور خاصی نیست، بلکه معیار آن براساس نژاد اسلاوی است. درحالی‌که اندیشه مارکسیستی حاکم بر قسمتی از جهان سبب پیدایش این مکتب شده بود (کیانی ۱۳۹۵: ۱۶۴). عبود معتقد است که نامیدن این مکتب با عنوان «اسلاوی» اشتباه است و با اهداف و دیدگاه‌های این مکتب انطباق ندارد؛ زیرا پیروان این مکتب اگرچه از نژاد «اسلاوها» هستند، اصول اولیه آن با اندیشه و فلسفه مارکسیستی و مادی‌گرایی در پیوند است (بنگرید به عبود ۱۹۹۹: ۴۲).

۳. مکتب آلمانی دیدگاهی مخاطب‌محور دارد و بر این اصل تکیه دارد که اصالت با مخاطب است و متن باوجود او ارزش پیدا می‌کند (جمال‌الدین ۱۳۸۹: ۲۵).

۴. از جمله نظریه‌پردازان این تئوری می‌توان به «الطاهر أحمد مکی» و «محمد سعید جمال‌الدین» اشاره کرد. این دیدگاه به دنبال پررنگ کردن رویکرد اسلامی - عربی در مقابل تمایلات غربی - عربی است (بکار ۲۰۰۴: ۱۹). تورج زینی‌وند نیز در ایران و در همین موضوع به سال ۱۳۹۵ کتاب *به سوی نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی* را نگاشته که در انتشارات یار دانش به چاپ رسیده است.

## کتاب‌نامه

- اسلامی، سیدحسن (۱۳۹۱)، *اخلاق و آیین نقد کتاب*، تهران: خانه کتاب.
- بکار، یوسف (۲۰۰۴)، *جماعة الديوان و عمر الخيام، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر*.
- پروینی، خلیل (۱۳۹۴)، «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در جهان عرب نقدی بر *الأدب المقارن*؛ مشکلات و آفاق»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ش ۳۴.
- جمال‌الدین، سعید (۱۳۸۹)، *ادبیات تطبیقی*، ترجمه سعید حسام‌پور و حسین کیانی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- حیدری، محمود (۱۳۹۵)، «بررسی انتقادی کتاب *الأدب المقارن (دراسات نظریه و تطبیقیه)* اثر خلیل پروینی»، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)*، س ۶، ش ۲۱.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۶۳)، «آئین نقد کتاب»، *نشر دانش*، س ۴، ش ۲۱.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۸۶)، «آئین نقد کتاب»، در: *مجموعه مقالات کتاب نقد و نقد کتاب*، تهران: خانه کتاب.

۱۶۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال بیست‌ویکم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۰

- خضری، حیدر (۱۳۹۲)، *الأدب المقارن فی ایران و العالم العربی (۱۹۰۳-۲۰۱۲)*، تهران: سمت.
- رجبی، فرهاد (۱۳۹۵)، «نقدی بر کتاب *الأدب المقارن (دراسات نظریه و تطبیقیه)* تألیف خلیل پروینی»، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)*، س ۶، ش ۲۱.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۹)، *یادداشت‌ها و اندیشه‌ها*، تهران: سخن.
- زینی‌وند، تورج (۱۳۹۳)، «معرفی و نقد کتاب *الأدب المقارن: دراسات نظریه و تطبیقیه*»، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (بخش پاره‌ها و نکته‌ها)*، س ۴، ش ۱۵.
- عبدی، صلاح‌الدین (۱۳۹۳)، «نقد و بررسی *المدارس الأدبیه و مذاهبها نوشته یوسف عید*»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ش ۳۳.
- عبود، عبده (۱۹۹۹)، *الأدب المقارن و الإتجاهات النقدیة الحدیثة*، کویت: عالم الفکر.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵)، *آئین نگارش مقاله علمی - پژوهشی*، تهران: سخن.
- قاسمی، حمید، سارا کشکر، و لیلا ایزدپرست (۱۳۹۴)، *روش‌شناسی نقد و بررسی کتاب*، تهران: جامعه‌شناسان.
- قندیل‌زاده، نرگس (۱۳۹۴)، «پژوهش تطبیقی در ادبیات عربی و فارسی؛ بررسی و نقد ادبیات تطبیقی از محمد سعید جمال‌الدین»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ش ۳۴.
- کیانی، حسین (۱۳۹۵)، «نقد و بررسی کتاب *مدارس الأدب المقارن اثر سعید علوش*»، *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)*، دانشگاه رازی کرمانشاه، س ۶، ش ۲۱.
- ندا، طه (۱۹۹۱)، *الأدب المقارن*، بیروت: دارالنهضة العربیة للطباعة و النشر.
- یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۸۶)، *اصول برنامه‌ریزی درسی*، تهران: یادواره کتاب.